

## تحلیل تأثیر الگوهای شوخ‌طبعی، خودکارآمدی و تاب‌آوری بر رشد پساتروماتیک در افراد باتجربه جدایی والدین

دلارام سادات دلیران<sup>۱\*</sup>، مهرانگیز پیوسته گر<sup>۲</sup>، سیده اسماء حسینی<sup>۳</sup>

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر به منظور تحلیل تأثیر الگوهای شوخ‌طبعی، خودکارآمدی و تاب‌آوری بر رشد پساتروماتیک در افراد باتجربه جدایی والدین بود.

**مواد و روش‌ها:** پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی و از نظر هدف، کاربردی بود. روش گردآوری داده‌ها به صورت پیمایشی و میدانی انجام گرفت. جامعه آماری شامل کلیه مراجعین به انجمن مردم‌نهاد فرزندان طلاق در شهر تهران بود که از میان آن‌ها نمونه‌ای شامل ۱۷۰ نفر، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پرسشنامه‌های پژوهش عبارت از سبک‌های شوخ‌طبعی مارتین و همکاران (۲۰۰۳)، خودکارآمدی عمومی شرر و همکاران (۱۹۸۲)، تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) و رشد پس از آسیب‌تدسچی و کالهن (۱۹۹۶) بودند.

**یافته‌ها:** داده‌ها با استفاده از شاخص‌های آماری نظیر آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام و چندگانه مورد تحلیل قرار گرفتند و طبق نتایج همبستگی معناداری بین رشد پس از آسیب با شوخ‌طبعی خود پیونددهنده (ضریب همبستگی: ۰/۴۳۳)، شوخ‌طبعی خودافزاینده (ضریب همبستگی: ۰/۵۲۳)، شوخ‌طبعی پرخاشگرانه (ضریب همبستگی: -۰/۴۷۰)، شوخ‌طبعی خودکاهنده (ضریب همبستگی: -۰/۴۲۰)، خودکارآمدی (ضریب همبستگی: ۰/۴۴۸) و تاب‌آوری (ضریب همبستگی: ۰/۵۱۲) مشاهده شد.

**نتیجه‌گیری:** یافته‌های تحلیل رگرسیون در پژوهش حاضر نشان داد که شوخ‌طبعی خودافزاینده، خودکارآمدی، تاب‌آوری و شوخ‌طبعی پرخاشگرانه به صورت سلسله‌مراتبی قادرند رشد پس از آسیب فرزندان طلاق را به طور معناداری پیش‌بینی کنند، به گونه‌ای که سهم شوخ‌طبعی خودافزاینده ۲۷ درصد، خودکارآمدی ۱۴ درصد، تاب‌آوری ۶ درصد و شوخ‌طبعی پرخاشگرانه ۲ درصد بود. این متغیرها ۵۰ درصد از تغییرات متغیر ملاک را پیش‌بینی کردند؛ بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر بر اهمیت شوخ‌طبعی خودافزاینده، خودکارآمدی و تاب‌آوری در حفظ و ارتقای سلامت روان فرزندان طلاق تأکید دارد.

**کلمات کلیدی:** تاب‌آوری؛ خودکارآمدی؛ رشد پس از آسیب؛ سبک‌های شوخ‌طبعی؛ فرزندان طلاق.

۱. نویسنده مسئول، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.  
۲. دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.  
۳. دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

## مقدمه

در نیم قرن اخیر، پدیده طلاق به شکل چشمگیری افزایش یافته است. در گذشته، وقوع طلاق نسبتاً نادر بود، اما امروزه بخش قابل توجهی از کودکان و نوجوانان، پیش از رسیدن به سن بزرگسالی، تجربه جدایی یا طلاق والدین خود را دارند (۱). طلاق به عنوان یک رویداد استرس‌زا در خانواده، تأثیرات عمیقی بر فرزندان دارد؛ چراکه این تجربه، امری خارج از کنترل آن‌هاست و می‌تواند آن‌ها را در معرض آسیب‌های روانی و یا تروما قرار دهد (۲). آسیب روانی یا تروما به رویدادی اطلاق می‌شود که موجب بروز احساساتی منفی نظیر ناکامی، ترس و آشفتگی روانی در فرد شده و توانایی او را برای مقابله با تغییرات ناخواسته مختل می‌سازد (۳). یکی از راهکارهای مؤثر برای کاهش پیامدهای منفی روانی ناشی از طلاق والدین، مفهوم رشد پس از آسیب h است. این سازه برای نخستین بار در میانه دهه ۱۹۹۰ معرفی شد. تدسچی و کالهن، (۱۹۹۶) این مفهوم را باهدف بررسی تجربه افراد از رویدادهای آسیب‌زا و تغییرات مثبت روان‌شناختی حاصل از آن، به‌ویژه پس از تجربه‌هایی مانند طلاق، توسعه دادند (۴). به‌بیان دیگر، رشد پس از آسیب به تغییرات مثبت در نگرش، باورها و ادراک فرد اشاره دارد که در نتیجه مواجهه و مبارزه با تروما یا موقعیت‌های به‌شدت چالش‌برانگیز پدید می‌آید. این پدیده نباید به‌عنوان جایگزینی برای پیامدهای منفی روانی در نظر گرفته شود، بلکه باید آن را فرآیندی موازی و مکمل برای درک عمیق‌تر واکنش‌های انسان به آسیب تلقی کرد (۵). تدسچی و کالهن، ۲۰۰۴ با بهره‌گیری از نظریه فرضیات شکسته<sup>۱</sup>، مدل شناختی رشد پس از آسیب را گسترش دادند. آن‌ها تأکید کردند که تجربه یک رویداد آسیب‌زا می‌تواند تعادل نظام شناختی فرد را برهم زند و فرآیند نشخوار فکری را فعال

## دلارام سادات دلیران و همکاران

کند. این فرآیند، فرد را در مسیر بازسازی نگرش‌ها و باورهای خود نسبت به خویشتن، دیگران و جهان هدایت می‌کند و زمینه‌ساز شکل‌گیری برداشت‌های مثبت‌تر پس از سانحه می‌شود (۷،۶). پس از آسیب در فرزندان طلاق به معنای تجربه رشد شخصی و تحولات مثبت روان‌شناختی است که علی‌رغم چالش‌های ناشی از طلاق والدین، در آن‌ها شکل می‌گیرد. این تغییرات شناختی می‌تواند شامل نگرش مثبت‌تری به زندگی، گرایش‌های معنوی، ایجاد روابط مثبت و سازنده با دیگران، افزایش آگاهی نسبت به رویدادهای آینده، پیدایش فلسفه‌ای نو نسبت به زندگی و قدردانی بیشتر از جنبه‌های مختلف آن باشد (۸).

یکی از مکانیسم‌های مقابله‌ای مؤثر که به فرزندان طلاق کمک می‌کند تا در برابر دشواری‌های ناشی از جدایی والدین، سلامت روانی و بهزیستی خود را حفظ کنند، شوخ‌طبعی است. این توانایی می‌تواند به آن‌ها در شکل‌دهی چشم‌اندازی مثبت‌تر از زندگی کمک کند. به‌بیان دیگر، شوخ‌طبعی نوعی مکانیسم دفاعی محسوب می‌شود که بر ابعاد خنده‌دار، طنزآمیز یا سرگرم‌کننده موقعیت‌های استرس‌زا و تعارض‌آمیز تمرکز دارد (۹). روان‌شناسان در تبیین مفهوم شوخ‌طبعی، چهار سبک متمایز را معرفی کرده‌اند: شوخ‌طبعی خودافزاینده، پیونددهنده، خود کاهنده و خودپر خاشگرانه. دو سبک اول، یعنی خود افزاینده و پیونددهنده، جنبه‌ای مثبت دارند و در کاهش آثار منفی رویدادهای ناگوار زندگی مانند طلاق نقش مؤثری ایفا می‌کنند. در مقابل، دو سبک دیگر، یعنی شوخ‌طبعی خود کاهنده و خودپر خاشگرانه، ممکن است زمینه‌ساز واکنش‌های ناسازگارانه در مواجهه با رویدادهای استرس‌زا شوند (۱۰).

از سوی دیگر، مشاهده شده است افرادی که معمولاً توانایی بالاتری در مدیریت نقش‌ها و موقعیت‌های مختلف زندگی از خود نشان می‌دهند، از سطح بالایی خودکارآمدی برخوردارند. خودکارآمدی به‌نوعی قضاوت درونی فرد نسبت به توانایی‌اش

1. Post-Traumatic Growth (PTG)

2. Broken Assumptions Theory

برای انجام موفقیت‌آمیز یک فعالیت خاص اشاره دارد (۱۱). افرادی که دارای خودکارآمدی بالاتری هستند، معمولاً در مواجهه با بحران‌های زندگی، عملکرد مؤثرتری دارند و بهتر می‌توانند خود را با شرایط دشوار وفق دهند (۱۲). خودکارآمدی با ایجاد احساس اعتماد به توانمندی‌های درونی، زمینه‌ساز انعطاف‌پذیری روانی، افزایش سطح سازگاری با تغییرات زندگی و درنهایت، رشد پس از آسیب می‌شود (۱۳). این توانایی درونی که از باور فرد نسبت به قابلیت‌ها و مهارت‌های شخصی او نشأت می‌گیرد، امکان مدیریت کارآمد زندگی و غلبه بر رویدادهای منفی را فراهم می‌کند (۱۴). به عبارت دیگر، توانایی ترکیب مؤلفه‌هایی چون مهارت‌ها، انگیزه‌ها، منابع شناختی و اعمال کنترل مؤثر بر شرایط بیرونی، می‌تواند به رشد پس از آسیب در فرزندان طلاق و حرکت سازنده آنان پس از تجربه جدایی والدین کمک کند (۱۵).

تاب‌آوری نیز یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار بر رشد پس از آسیب است. تاب‌آوری به توانایی ادامه زندگی علیرغم شرایط طاقت‌فرسا و بازگشت به سطحی از تعادل روانی مشابه یا نزدیک به وضعیت پیش از وقوع رویدادهای منفی اشاره دارد (۱۶). در واقع، تاب‌آوری به توانایی فرد در انطباق با دشواری‌ها و شرایط نامطلوب اشاره دارد، زیرا این ظرفیت درونی پیام‌آور امید و خوش‌بینی پس از مواجهه با ناملازمات است. سطوح بالاتر تاب‌آوری موجب مواجهه‌ای سازگارانه و مثبت با شرایط استرس‌زا می‌شود و فرد را به بهره‌گیری از راهکارهای مؤثر برای مقابله با مشکلات توانمند می‌سازد (۱۷). تاب‌آوری بالا، با بسیج منابع شناختی و عاطفی، نوعی فضای روانی مثبت و انگیزشی در فرد ایجاد می‌کند (۱۸). این حالت روانی، زمینه‌ساز مشارکت فعال، درگیرانه و انعطاف‌پذیر در برابر رویدادهای تنش‌زای زندگی می‌شود که درنهایت می‌تواند منجر به رشد پس از آسیب گردد (۱۹، ۲۰).

با وجود رشد قابل توجه پژوهش‌ها درباره رشد پساتروماتیک

در موقعیت‌های مختلف آسیب‌زا، مطالعاتی که به‌طور خاص به بررسی رشد پساتروماتیک در فرزندان تجربه‌کننده طلاق والدین پرداخته باشند، هنوز محدود است. چنین پژوهش‌هایی باعث می‌شود روان‌شناسان با ارائه مشاوره به کودکان خانواده‌هایی که در حال تجربه منفی جدایی هستند، کمک کنند و آن‌ها توانمندی روانی بهتری داشته باشند. بخش عمده‌ای از پژوهش‌های پیشین بر پیامدهای منفی طلاق تمرکز داشته‌اند و به ابعاد رشد مثبت کمتر توجه کرده‌اند (۲۱). همچنین، تحقیقات موجود عمدتاً بر جمعیت بزرگسال یا زوج‌های مطلقه متمرکز بوده و نقش متغیرهای فردی مانند شوخ‌طبعی، خودکارآمدی و تاب‌آوری در رشد پساتروماتیک فرزندان طلاق کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. لزوم سازگاری با فشارهای محیطی ضرورتی انکارناپذیر است. از جمله رویکردهایی که هدف نهایی خود را شناسایی شیوه‌هایی می‌داند که منجر به بهزیستی انسان می‌شود، روان‌شناسی مثبت‌گراست (۲۲). به‌علاوه نتایج برخی از مطالعات اخیر نشان می‌دهد که عوامل روان‌شناختی مثبت می‌توانند نقش مهمی در سازگاری و رشد پس از رویدادهای آسیب‌زا ایفا کنند، اما شواهد تجربی درباره سازوکارهای میانجی این عوامل در زمینه طلاق والدین هنوز ناکافی است (۲۳). این خلأهای پژوهشی ضرورت انجام مطالعه‌ای جامع در این زمینه را برجسته می‌کند.

از این‌رو با توجه به نگرش منفی فرهنگی نسبت به طلاق و آسیب‌پذیری فرزندان این خانواده‌ها، پژوهش حاضر با رویکردی متمایز به بررسی نقش شوخ‌طبعی، خودکارآمدی و تاب‌آوری در رشد مثبت پس از آسیب می‌پردازد. اهمیت این مطالعه در شناسایی سازه‌هایی است که به‌عنوان منابع درونی و حمایتی، زمینه‌ساز سازگاری و تحول مثبت این گروه آسیب‌پذیر عمل می‌کنند؛ بنابراین، این مطالعه به دنبال پاسخ به پرسش اساسی است که آیا می‌توان با توجه به میزان شوخ‌طبعی، خودکارآمدی و تاب‌آوری فرزندان طلاق، سطوح رشد پس از آسیب آن‌ها

## تحلیل تأثیر الگوهای شوخ‌طبعی، خودکارآمدی و...

را پیش‌بینی کرد؟ پاسخ به این سؤال، می‌تواند راهنمایی ارزشمند برای متخصصان روان‌شناسی، مددکاران اجتماعی و سیاست‌گذاران باشد تا برنامه‌ها و مداخلات مؤثرتری را برای حمایت از این گروه در جامعه ایران طراحی کنند و در نهایت به بهبود کیفیت زندگی و سلامت روان فرزندان طلاق کمک نمایند.

### روش:

تحقیق حاضر به دلیل پیش‌بینی رشد پس از آسیب بر اساس سبک‌های شوخ‌طبعی، خودکارآمدی و تاب‌آوری از نوع توصیفی - همبستگی و از نظر هدف کاربردی و از نظر جمع‌آوری داده‌ها پیمایشی و میدانی است. که متغیرهای پیش‌بین: سبک‌های شوخ‌طبعی، خودکارآمدی و تاب‌آوری، متغیر ملاک: رشد پس از آسیب که با نمونه فرزندان طلاق مورد بررسی قرار گرفت. از آنجایی که یافته‌های این تحقیق کمک شایانی به مراکز درمانی می‌کند. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه فرزندان دارای تجربه طلاق والدین شهر تهران، انجمن مردم‌نهاد فرزندان طلاق تشکیل دادند. روش نمونه‌گیری در این تحقیق در دسترس است. با استفاده از نرم‌افزار جی پاور<sup>۱</sup> تعداد مکفی حجم نمونه ۱۴۶ نفر ارزیابی گردیده است که بر مبنای ضریب تأثیر ۰/۱۵ درصد، خطای نمونه‌گیری درجه دوم ۰/۰۵ و تعداد متغیرهای پیش‌بین (۶ متغیر: خودکارآمدی، تاب‌آوری و ۴ سبک شوخ‌طبعی) محاسبه گردیده است. با توجه به تحلیل‌های توصیفی مربوط به متغیرهای جمعیت شناختی پژوهش به این نتایج دست یافتیم: ۵۷/۶ درصد از پاسخگویان مؤنث و ۴۲/۴ درصد مذکر هستند. در بررسی حاضر از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون) جهت تحلیل داده‌ها استفاده شده است. تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار آماری SPSS، نسخه ۲۴ انجام گرفت.

### ابزارهای پژوهش:

۱. G\*power

برای اجرای پژوهش از چهار پرسشنامه: سبک‌های شوخ‌طبعی مارتین<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۳)، پرسشنامه خودکارآمدی شرر<sup>۳</sup> و همکاران (۱۹۸۲)، پرسشنامه تاب‌آوری کانر و دیویدسون<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) و پرسشنامه رشد پس از آسیب تدسچی و کالهن (۱۹۹۶) مورد استفاده قرار گرفت (۴،۲۶،۲۵،۲۴).

پرسشنامه سبک‌های شوخ‌طبعی: برای سنجش سبک‌های شوخ‌طبعی، از پرسشنامه شوخ‌طبعی ۳۲ ماده‌ای (سواری، ۲۰۱۸)، با اقتباس از پرسشنامه سبک‌های شوخ‌طبعی مارتین و همکاران (۲۰۰۳) استفاده شد. این پرسشنامه چهار بعد پیونددهنده (۸ ماده)، پرخاشگرانه (۸ ماده)، خود کاهنده (۸ ماده) و خود افزایشنده (۸ ماده) را اندازه‌گیری می‌کند. عبارات در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای، از کاملاً مخالف (۱ امتیاز) تا کاملاً موافق (۷ امتیاز)، نمره‌گذاری می‌شوند. در تحقیق حاضر، برای تعیین پایایی پرسشنامه شوخ‌طبعی، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۷۱ شد که بیان‌کننده ضرایب پایایی قبول پرسشنامه یادشده است. کمترین نمره در این پرسشنامه ۳۲ و بالاترین نمره ۱۶۰ است. کسب نمره بالا نشان‌دهنده شوخ‌طبعی بالا است. ضریب پایایی بعد پیونددهنده ۰/۷۰، بعد پرخاشگرانه ۰/۷۱، بعد خود کاهنده ۰/۷۱ و بعد خود افزایشنده ۰/۷۳ برآورد شد. سواری، روایی پرسشنامه را از طریق تحلیل عاملی تأییدی محاسبه نموده است (۲۷،۲۴).

مقیاس خودکارآمدی: این مقیاس توسط شرر و همکاران (۱۹۸۲) با ۳۶ سؤال ساخته شده است. سازندگان آن بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده، سؤالاتی را نگه داشتند که بار ۰/۴۰ را در هر یک از عوامل اجتماعی و عمومی داشتند. بر این اساس ۱۳ سؤال که دارای این ویژگی نبودند حذف و آزمون به ۲۳

۲. Martin

۳. Sherer

۴. Connor & Davidson

سؤال کاهش یافت. نهایتاً از این ۲۳ سؤال ۱۷ سؤال باقی ماند. این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه‌های (۱) کاملاً مخالف الی (۵) کاملاً موافق اندازه‌گیری می‌گردد. بختیاری برای (۱۳۷۶) برای سنجش روایی سازه‌ای مقیاس خودکارآمدی عمومی نمرات به دست آمده از این مقیاس را با اندازه‌های چندین ویژگی شخصیتی (مقیاس کنترل درونی و بیرونی راتر، خرده مقیاس کنترل شخصی، مقیاس درجه اجتماعی مازلو و کران و مقیاس شایستگی بین فردی روزنبرگ) همبسته کرد که همبستگی پیش‌بینی شده بین مقیاس خودکارآمدی و اندازه‌های خصوصیات شخصیتی متوسط (۰/۱۷) و در سطح ۰/۰۵ (معنادار) و در جهت تأیید سازه مورد نظر بود. همچنین ضریب پایایی مقیاس با استفاده از روش دونیمه کردن آزمون گاتمن برابر ۰/۱۱ و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۱۹ به دست آمده است. همچنین در پژوهش وقری (۱۳۷۹) برای بررسی پایانی خودکارآمدی، آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمده است. نجفی (۱۳۸۰) نیز ۳۰ نفر از آزمودنی‌ها را به صورت تصادفی جدا کرد و آزمون خودکارآمدی را برای آن‌ها اجرا نمود و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ به دست آمد؛ و از طریق روش اسپیرمن- براون نیز ۸۳٪ به دست آمد. در پژوهش گنجی و فراهانی (۱۳۸۸) به روش آلفای کرونباخ ضریب پایانی ۸۷٪ به دست آمد. ضرایب به دست آمده آلفای کرونباخ مقیاس در کشورهای گوناگون چنین شده است: در کانادا ۰/۸۸، در کاستاریکا ۰/۸۱، در آلمان ۰/۸۱، در بریتانیا ۰/۸۸، در فرانسه ۰/۸۲، در ایران ۰/۸۴، در اسپانیا ۰/۸۴، در ژاپن ۰/۹۱، در کره ۰/۸۵، در اندونزی ۰/۷۹ و در هند ۰/۷۵. ضرایب به دست آمده، نشان‌دهنده پایایی درونی گزینه‌های این مقیاس در میان مردم گوناگون جهان است (۲۵).

مقیاس تاب‌آوری: این مقیاس شامل ۲۵ سؤال است و توسط کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) جهت اندازه‌گیری قدرت مقابله با فشار و تهدید، تهیه شده است. برای هر سؤال، طیف درجه‌بندی

پنج گزینه‌ای کاملاً نادرست (نمره ۰) تا همیشه درست (نمره ۴) در نظر گرفته شده است. عبارات مربوط به هر زیرمقیاس: زیرمقیاس تصور از شایستگی فردی: ۲۵-۲۴-۲۳-۱۷-۱۶-۱۲-۱۱-۱۰؛ زیرمقیاس اعتماد به غرایز فردی و تحمل عاطفه منفی: ۲۰-۱۹-۱۸-۱۵-۱۴-۷-۶؛ زیرمقیاس پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن: ۸-۵-۴-۲-۱؛ زیرمقیاس کنترل: ۲۲-۲۱-۱۳؛ زیرمقیاس معنویت: ۹-۳؛ این مقیاس اگرچه ابعاد مختلف تاب‌آوری را می‌سنجد ولی دارای یک نمره کل است. پایایی این مقیاس برابر ۰/۹۳ توسط سازندگان مقیاس گزارش شده است (جوکار، ۱۳۸۶). در پژوهش بحری و همکاران (۱۳۹۳)، جهت تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید که مقدار آن ۰/۹۰ به دست آمد (۲۶).

پرسشنامه رشد پس از آسیب: این پرسشنامه توسط تدسچی و کالهن (۱۹۹۶) تدوین شده است. پرسشنامه شامل ۲۱ سؤال و ۵ مؤلفه (شیوه‌های جدید، در ارتباط با دیگران، قدرت شخصی، ارزش زندگی و تغییر معنوی) است. روش نمره‌گذاری مقیاس رشد پس از سانحه به صورت طیف لیکرت است. نمرات مقیاس از صفر (من این تغییر را به خاطر تأثیر رویداد استرس‌زا نمی‌دانم) تا پنج (من این تغییر را به میزان خیلی زیادی به‌عنوان تأثیر رویداد استرس‌زا می‌دانم) است. تدسچی و کالهن (۲۰۰۴) پایایی این مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ گزارش دادند و روایی همگرا این پرسشنامه نیز از طریق رابطه با مذهب گرایی، خوش‌بینی و ابعاد اصلی شخصیت نئو معنی‌دار گزارش گردید (۴).

#### یافته‌ها:

در بررسی فرضیه‌های پژوهش و تجزیه تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (شاخص‌های گرایش به مرکز و پراکندگی) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه) و نرم‌افزار Spss نسخه ۲۴ استفاده شد. به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها، از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف و تحلیل

تحلیل تأثیر الگوهای شوخ‌طبعی، خودکارآمدی و...

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرها

دسته متغیر	متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	کشیدگی	چولگی
رشد پس از	راه‌های جدید	13.36	4.74	5	25	-0.6	0.15
سانحه	قدرت شخصی	11.54	3.98	4	20	-0.6	0.15
	ارتباط با دیگران	17.54	5.56	7	30	-0.5	0.13
	تغییرات معنوی	5.48	2.06	2	10	-0.77	0.15
	قدردانی از زندگی	8.55	3.34	3	15	-0.86	0.03
	کل رشد پس از سانحه	56.46	14.5	26	89	-0.34	0.02
سبک‌های شوخ‌طبعی	شوخ‌طبعی خود پیونددهنده	22.46	7.98	8	40	-0.82	0.19
	شوخ‌طبعی خود افزاینده	20.33	7.69	8	35	-1.06	0.23
	شوخ‌طبعی پرخاشگرانه	18.78	6.5	8	31	-1.17	0.16
	شوخ‌طبعی کاهنده	19.22	6.62	8	34	-0.44	0.48
تاب‌آوری	شایستگی فردی	23.65	6.77	10	40	-0.53	0.07
	تحمل احساسات منفی	18.54	5.24	7	30	-0.29	0.04
	پذیرش احساسات مثبت	14.46	5.06	5	25	-0.75	0.15
	کنترل	9.14	3.26	3	15	-0.82	-0.04
	معنویت	6.66	2.08	2	10	-0.82	-0.06
	کل تاب‌آوری	72.45	16.04	37	103	-0.77	-0.17
خودکارآمدی	خودکارآمدی	46.81	10.03	25	70	-0.51	0.01

میانگین بعد شوخ‌طبعی خود پیونددهنده ۲۲/۴۶؛ شوخ‌طبعی خود افزاینده ۲۰/۳۳؛ شوخ‌طبعی پرخاشگرانه ۱۸/۷۸ و شوخ‌طبعی خود کاهنده ۱۹/۲۲ گزارش گردیده است. همچنین، مقادیر چولگی و کشیدگی بین ۲+ تا ۲- بیانگر این مطلب است که توزیع متغیرهای پژوهش در بین آزمودنی‌ها نرمال است و همین‌طور شاخص‌های گرایش به مرکز و پراکندگی شاخص تاب‌آوری نشان می‌دهد، میانگین بعد شایستگی فردی ۲۳/۶۵؛ تحمل عواطف منفی ۱۸/۵۴؛ پذیرش عواطف مثبت ۱۴/۴۶؛ کنترل ۹/۱۴؛ معنویت ۶/۶۶ و تاب‌آوری کل ۷۲/۴۵ گزارش گردیده است. همچنین، مقادیر چولگی و کشیدگی بین ۲+

نمودار هیستوگرام استفاده گردید که نتایج حاصل، نرمال بودن داده‌ها را تأیید کرد.

شاخص‌های گرایش به مرکز و پراکندگی رشد پس از آسیب نشان می‌دهد، میانگین بعد شیوه‌های جدید ۱۳/۳۶، قدرت شخصی ۱۱/۵۴، در ارتباط با دیگران ۱۷/۵۴، تغییر معنوی ۵/۴۸، ارزش زندگی ۸/۵۵ و رشد پس از آسیب ۵۶/۴۶ گزارش گردیده است. همچنین، مقادیر چولگی و کشیدگی بین ۲+ تا ۲- بیانگر این مطلب است که توزیع متغیرهای پژوهش در بین آزمودنی‌ها نرمال است. در متغیر شوخ‌طبعی نیز شاخص‌های گرایش به مرکز و پراکندگی نشان می‌دهد که

رشد پس از آسیب فرزندان طلاق را به طور معنادار پیش‌بینی کنند. در این میان سهم شوخ‌طبعی خود افزاینده ۲۷ درصد، خودکارآمدی ۱۴ درصد، تاب‌آوری ۶ درصد و شوخ‌طبعی پرخاشگرانه ۲ درصد است. در مجموع این متغیرها قادرند ۵۰ درصد از میزان تغییرات متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند (۰/۴۹۶/۲۰R<sup>2</sup>). همچنین، میزان F مشاهده شده برای متغیرهای پیش‌بین در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. این یافته نشان می‌دهد که این چهار متغیر قادر به پیش‌بینی رشد پس از آسیب فرزندان طلاق هستند. طبق بالا شوخ‌طبعی خود افزاینده (ضریب بتا: ۰/۲۵۷)، خودکارآمدی (ضریب بتا: ۰/۲۷۷)، تاب‌آوری (ضریب بتا: ۰/۲۸۳) و شوخ‌طبعی پرخاشگرانه (ضریب بتا: ۰/۱۹۵-) بر

تا ۲- بیانگر این مطلب است که توزیع متغیرهای پژوهش در بین آزمودنی‌ها نرمال است و شاخص‌های گرایش به مرکز و پراکندگی شاخص خودکارآمدی نشان می‌دهد، میانگین بعد مذکور ۴۶/۸۱ گزارش گردیده است. همچنین، مقادیر چولگی و کشیدگی بین ۲+ تا ۲- بیانگر این مطلب است که توزیع متغیرهای پژوهش در بین آزمودنی‌ها نرمال است.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد در گام پایانی، از بین متغیرهای پیش‌بین چهار متغیر توانستند به طور تفکیکی تغییرات رشد پس از آسیب فرزندان طلاق را پیش‌بینی کنند. به این ترتیب که شوخ‌طبعی خود افزاینده، خودکارآمدی، تاب‌آوری و شوخ‌طبعی پرخاشگرانه قادرند به طور سلسله‌مراتبی

جدول ۲: خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون رشد پس از آسیب

گام	مدل	مجموع مجذورات	(df) درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	(p) سطح معناداری	R	R <sup>2</sup>	ΔR <sup>2</sup>
1	رگرسیون	9,714.547	1	9,714.547	63.224	.000	.523	.273	.269
	باقیمانده	25,813.741	168	153.653					
2	رگرسیون	14,732.957	2	7,366.479	59.158	.000	.644	.415	.408
	باقیمانده	20,795.331	167	124.523					
3	رگرسیون	16,833.382	3	5,611.127	49.824	.000	.688	.474	.464
	باقیمانده	18,694.906	166	112.620					
4	رگرسیون	17,604.355	4	4,401.089	40.515	.000	.704	.496	.483
	باقیمانده	17,923.933	165	108.630					

متغیر پیش‌بین مدل ۱: شوخ‌طبعی خود افزاینده

متغیر پیش‌بین مدل ۲: شوخ‌طبعی خود افزاینده و خودکارآمدی

متغیر پیش‌بین مدل ۳: شوخ‌طبعی خود افزاینده، خودکارآمدی و تاب‌آوری

متغیر پیش‌بین مدل ۴: شوخ‌طبعی خود افزاینده، خودکارآمدی، تاب‌آوری، شوخ‌طبعی پرخاشگرانه

جدول ۳: ضرایب رگرسیون گام به گام بر روی متغیرهای پیش‌بین

متغیرها	B	B خطای استاندارد	β (Beta)	t	(p) سطح معناداری
شوخی‌طبعی خود افزاینده	0.484	0.143	0.257	3.382	0.001
خودکارآمدی	0.401	0.086	0.277	4.662	0.000
تاب‌آوری	0.256	0.056	0.283	4.530	0.000
شوخی‌طبعی پرخاشگرانه	-0.435	0.163	-0.195	-2.664	0.008

## تحلیل تأثیر الگوهای شوخ‌طبعی، خودکارآمدی و...

رشد پس از آسیب فرزندان طلاق تأثیرگذار هستند.

## بحث و نتیجه‌گیری:

هدف پژوهش حاضر، تحلیل تأثیر الگوهای مختلف شوخ‌طبعی، خودکارآمدی و تاب‌آوری بر رشد پساتروماتیک در افرادی است که تجربه جدایی والدین را داشته‌اند. نتایج حاصل از مدل رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که شوخ‌طبعی خود افزایش‌دهنده، خودکارآمدی، تاب‌آوری و همچنین شوخ‌طبعی پرخاشگرانه، به‌صورت سلسله‌مراتبی و معنادار، قابلیت پیش‌بینی رشد پس از آسیب در فرزندان طلاق را دارند. این یافته‌ها با چارچوب نظری رشد پساتروماتیک تدسچی و کالهن هم‌خوانی دارد، زیرا نشان می‌دهد عوامل شناختی و هیجانی نظیر شوخ‌طبعی و خودکارآمدی، با تسهیل بازسازی شناختی و معنابخشی به تجربه آسیب، فرآیند رشد پس از آسیب را شکل می‌دهند و مسیر دستیابی به PTG را فراهم می‌کنند. بر اساس این یافته‌ها، می‌توان چنین استنباط کرد که رابطه میان شوخ‌طبعی، خودکارآمدی و تاب‌آوری با رشد پس از آسیب در فرزندان طلاق، رابطه‌ای پیچیده و چندوجهی است. هر یک از این عوامل نقش کلیدی و متفاوتی در چگونگی مواجهه و مقابله فرزندان با آسیب‌های ناشی از جدایی والدین ایفا می‌کند و درنهایت به ارتقاء توانایی آن‌ها برای سازگاری و رشد مثبت از دل این تجربه دشوار کمک می‌نماید. یافته‌های پژوهش حاضر همسو با یافته‌های پژوهشگران مثبت‌نگر بوده و نشان می‌دهند که رشد پس از آسیب توسط سازه‌های روانشناسی مثبت همچون بازسازی شناختی و توسعه مهارت‌های هیجانی مسیر اصلی دستیابی به رشد پس از سانحه را فراهم می‌نماید (۲۸). بر این اساس، شوخ‌طبعی به‌عنوان یکی از سبک‌های روان‌شناختی، می‌تواند نقش مؤثری در فرآیند بهبود و رشد پس از آسیب روانی ایفا کند. فرزندان طلاقی که دارای توانایی شوخ‌طبعی و نگرشی مثبت در مواجهه با موقعیت‌های دشوار هستند، معمولاً کمتر در معرض ابتلا به افسردگی و اضطراب قرار می‌گیرند. این

افراد قادرند چالش‌های پیش‌رو را به‌مثابه فرصتی برای رشد شخصی تلقی کرده و از شدت آثار مخرب رویدادهایی نظیر طلاق والدین بکاهند (۲۹). از این منظر، شوخ‌طبعی می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد مقابله‌ای، نقش مهمی در کاهش استرس، بهبود تعاملات اجتماعی و ارتقاء سلامت روان ایفا کند. این ویژگی به فرزندان طلاق کمک می‌کند تا احساس ناتوانی و سردرگمی ناشی از جدایی والدین را کاهش داده و در نتیجه، توانمندی‌های روانی و اجتماعی خود را تقویت نمایند (۹). این یافته با مؤلفه‌های نظریه روانشناسی مثبت مطابقت دارد و به نظر می‌رسد مفاهیم و اصول آن برای بهبود شرایط زندگی افراد می‌تواند اثربخش باشد؛ زیرا شوخ‌طبعی به‌عنوان یک راهبرد مقابله‌ای به معنابخشی مجدد به تجربه آسیب کمک کرده و رشد روان‌شناختی را تسهیل می‌کند. شایان توجه است که دو سبک خاص از شوخ‌طبعی، یعنی «شوخ‌طبعی خود افزایش‌دهنده» و «شوخ‌طبعی پیونددهنده» که ماهیتی مثبت دارند، اثربخشی بیشتری در این زمینه دارند؛ چراکه به افراد کمک می‌کنند تا به شیوه‌ای سازگارانه، کارآمد و مثبت با رویدادهای منفی زندگی خود مواجه شوند (۱۰). دومین متغیری که نقش معناداری در پیش‌بینی رشد پس از آسیب در فرزندان طلاق ایفا می‌کند، خودکارآمدی است. افرادی که از سطح بالاتری از خودکارآمدی برخوردارند، معمولاً توانایی بیشتری در مدیریت موقعیت‌های مختلف زندگی نشان می‌دهند (۳۰). از این منظر، باور به توانمندی‌های درونی، امکان انعطاف‌پذیری، سازگاری بیشتر با شرایط و در نتیجه، تجربه رشد پس از آسیب را فراهم می‌سازد (۱۶). افزایش خودکارآمدی می‌تواند به کاهش احساس درماندگی و یأس ناشی از طلاق والدین منجر شده و به این افراد در توسعه مهارت‌های لازم برای سازگاری با شرایط جدید کمک کند. این تبیین مطابق با نظریه بندورا است و نشان می‌دهد خودکارآمدی به‌عنوان عامل شناختی مؤثر در فرآیند رشد پس از آسیب عمل می‌کند. در همین زمینه،

یافته‌های پژوهش (۳۱) حاکی از آن است که فرزندان طلاق، پس از گذر از دوره آسیب‌زای اولیه، درصد بازسازی روانی خود برآمده و به‌سوی شکل‌گیری عادت‌ها و باورهای مثبت‌تر گام برمی‌دارند. همچنین لانگ و همکاران (۲۰۲۲) بر این باورند که این فرآیند به‌ویژه در اوایل بزرگسالی مشهودتر است؛ دوره‌ای که در آن فرزندان قادر به پذیرش، بخشش و درک شرایط خانوادگی خود می‌شوند. این تحولات شناختی و هیجانی، زمینه‌ساز دستیابی آنان به رشد پس از سانحه است (۳۲). در این راستا، باهنر، اعتمادی و صالحی (۲۰۲۴) نیز معتقد که زنان در اوایل بزرگسالی به‌طور خاص، ظرفیت بیشتری برای تجربه رشد پس از آسیب دارند. این رشد می‌تواند در قالب ارتقاء سلامت روان، افزایش تاب‌آوری در برابر مشکلات، توسعه معنوی، پیشرفت تحصیلی و شغلی و یافتن معنا در زندگی نمود یابد (۲۲). یافته‌های ویجیا و همکاران (۲۰۲۱) نیز نشان می‌دهد که رشد پس از آسیب در فرزندان طلاق، اغلب در قالب تقویت توانایی‌های فردی، آموختن ارزش‌ها از تجربه‌های خانوادگی، افزایش مسئولیت‌پذیری و تبدیل شدن به فردی مقاوم‌تر و آگاه‌تر تحقق می‌یابد. سومین متغیر مؤثر در پیش‌بینی رشد پس از آسیب در فرزندان طلاق، تاب‌آوری است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت فعال و درگیرانه در مواجهه با رویدادهای تنش‌زا، بازتابی از سطح بالای تاب‌آوری در افراد است (۳۳). در همین راستا، والش (۲۰۲۰) فشار روانی را نه‌تنها امری منفی نمی‌داند، بلکه آن را محرکی برای رشد تلقی می‌کند. وی معتقد است که افراد تاب آور، توانایی بقا و بازسازی خود پس از مواجهه با بحران‌ها و رویدادهای آسیب‌زا را دارند (۲۸). همچنین، فرزندان طلاقی که از سطوح بالاتری از تاب‌آوری برخوردارند، نگرشی خوش‌بینانه‌تر نسبت به آینده داشته و از توانایی بیشتری برای بازگشت به تعادل روانی پیش از وقوع آسیب برخوردارند (۳۴،۱۶). تاب‌آوری به این افراد کمک می‌کند تا حتی در شرایط طاقت‌فرسا، احساس بیشتری بر زندگی خود داشته باشند و از بحران‌های پیش‌آمده به‌عنوان فرصتی برای رشد فردی استفاده کنند. طبق یافته‌های پژوهش حاضر و بر اساس مدل والش تاب‌آوری به‌عنوان عامل محافظتی و تسهیل‌کننده رشد پس از آسیب عمل می‌کند. اگرچه طلاق والدین می‌تواند ضربه روانی عمیقی بر فرزندان در سنین مختلف وارد کند، اما باید توجه داشت که همه فرزندان در برابر این رویداد دچار یأس یا فروپاشی روانی نمی‌شوند.

کنترل بیشتری بر زندگی خود داشته باشند و از بحران‌های پیش‌آمده به‌عنوان فرصتی برای رشد فردی استفاده کنند. این یافته‌ها مطابق با چارچوب نظری PTG و مدل تاب‌آوری والش هستند و نشان می‌دهد تاب‌آوری به‌عنوان عامل محافظتی و تسهیل‌کننده رشد پس از آسیب عمل می‌کند. اگرچه طلاق والدین می‌تواند ضربه روانی عمیقی بر فرزندان در سنین مختلف وارد کند، اما باید توجه داشت که همه فرزندان در برابر این رویداد دچار یأس یا فروپاشی روانی نمی‌شوند. درواقع، ویژگی‌های شخصیتی، سطح تاب‌آوری و حمایت‌های محیطی، عوامل تعیین‌کننده‌ای هستند که می‌توانند زمینه‌ساز رشد پس از آسیب در آنان شوند (۳۵). سومین متغیر مؤثر در پیش‌بینی رشد پس از آسیب در فرزندان طلاق، تاب‌آوری است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت فعال و درگیرانه در مواجهه با رویدادهای تنش‌زا، بازتابی از سطح بالای تاب‌آوری در افراد است (۳۳). در همین راستا، والش (۲۰۲۰) فشار روانی را نه‌تنها امری منفی نمی‌داند، بلکه آن را محرکی برای رشد تلقی می‌کند. وی معتقد است که افراد تاب آور، توانایی بقا و بازسازی خود پس از مواجهه با بحران‌ها و رویدادهای آسیب‌زا را دارند (۲۸). همچنین، فرزندان طلاقی که از سطوح بالاتری از تاب‌آوری برخوردارند، نگرشی خوش‌بینانه‌تر نسبت به آینده داشته و از توانایی بیشتری برای بازگشت به تعادل روانی پیش از وقوع آسیب برخوردارند (۳۴،۱۶). تاب‌آوری به این افراد کمک می‌کند تا حتی در شرایط طاقت‌فرسا، احساس بیشتری بر زندگی خود داشته باشند و از بحران‌های پیش‌آمده به‌عنوان فرصتی برای رشد فردی استفاده کنند. طبق یافته‌های پژوهش حاضر و بر اساس مدل والش تاب‌آوری به‌عنوان عامل محافظتی و تسهیل‌کننده رشد پس از آسیب عمل می‌کند. اگرچه طلاق والدین می‌تواند ضربه روانی عمیقی بر فرزندان در سنین مختلف وارد کند، اما باید توجه داشت که همه فرزندان در برابر این رویداد دچار یأس یا فروپاشی روانی نمی‌شوند.



### تحلیل تأثیر الگوهای شوخ‌طبعی، خودکارآمدی و...

درواقع، ویژگی‌های شخصیتی، سطح تاب‌آوری و حمایت‌های محیطی، عوامل تعیین‌کننده‌ای هستند که می‌توانند زمینه‌ساز رشد پس از آسیب در آنان شوند (۳۵). نتایج این پژوهش با یافته‌های محققان تاب‌آوری هم‌راستا است و نشان می‌دهد که تعامل عوامل فردی و محیطی مسیر رشد پس از سانحه را شکل می‌دهد (۳۴).

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نخست، استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس در فرایند جمع‌آوری داده‌ها که موجب کاهش قابلیت تعمیم نتایج به جمعیت‌های گسترده‌تر می‌گردد. دوم، عدم کنترل متغیرهای مداخله‌گر مهمی نظیر ویژگی‌های شخصیتی و تنظیم شناختی هیجان که نقش تعیین‌کننده‌ای در نحوه مواجهه مؤثر افراد با مشکلات دوران پس از طلاق والدین دارند، از دیگر محدودیت‌های این مطالعه به شمار می‌رود. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شود تا هم قدرت تعمیم‌پذیری یافته‌ها افزایش یابد و هم نمایندگی نمونه نسبت به جامعه آماری حفظ گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود متغیرهایی همچون وضعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده و داشتن یا نداشتن خواهر و برادر به‌عنوان متغیرهای تعدیل‌گر در نظر گرفته شوند تا تأثیر آن‌ها بر رشد پس از آسیب در فرزندان طلاق به‌طور دقیق‌تری بررسی گردد. افزون بر این، مطالعه متغیرهای مداخله‌گری همچون ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان که تأثیر بالقوه‌ای بر رشد پس از سانحه در این گروه دارند، می‌تواند زمینه‌ساز درک عمیق‌تری از فرایندهای روانی مؤثر در این حوزه باشد. از دیگر پیشنهادها کاربردی این پژوهش آن است که فرزندان طلاق با شرکت در دوره‌های آموزشی مرتبط با توانمندسازی مهارت‌های فردی، افزایش تاب‌آوری و آشنایی با مهارت‌های شوخ‌طبعی (مانند کارگاه‌های مهارت‌آموزی)، می‌توانند زمینه

ارتقاء سطح رشد پس از آسیب را در خود فراهم آورند. در پایان، ذکر این نکته ضروری است که گرچه طلاق والدین یکی از مهم‌ترین و پرتنش‌ترین رویدادهای زندگی فرزندان به شمار می‌رود و در بسیاری از فرهنگ‌ها همچنان با نوعی انگ اجتماعی همراه است، اما یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد که فرزندان طلاق، در صورت برخورداری از حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی مناسب و با تقویت مهارت‌های روان‌شناختی، قادرند نقشه ذهنی خود را بازسازی کنند و خود را با شرایط جدید تطبیق دهند. البته باید تأکید کرد که رشد پس از آسیب فرایندی پیچیده و زمان‌بر است و هرچند پیامدی مطلوب به نظر می‌رسد، اما ساده و خودکار به دست نمی‌آید. این رشد مستلزم تلاش آگاهانه و مستمر فرزندان برای مواجهه سازنده با آسیب‌هاست تا از بازتجربه زخم‌های گذشته، به‌ویژه در مراحل حساس بعدی زندگی مانند ازدواج، جلوگیری شود.

رعایت اصول اخلاق پژوهش: در این پژوهش، هیچ اطلاعات هویتی از شرکت‌کنندگان جمع‌آوری نشده و شرکت‌کنندگان پیش از شروع، درباره اهداف پژوهش و حق انصراف آگاه شدند.

سهم نویسندگان: نویسنده اول مسئول گردآوری، تحلیل و نگارش بوده، نویسنده دوم به‌عنوان استاد راهنما نظارت داشته و نویسنده سوم به‌عنوان استاد مشاور در نتیجه‌گیری همکاری کرده است.

تعارض منافع: هیچ تعارض منافی وجود ندارد و حمایت مالی دریافت نشده است.

سپاسگزاری: از همه کسانی که در این مسیر کمک کردند، سپاسگزاریم.



- (2024). Prediction of Post-Traumatic Growth Based On Sensitivity to Rejection and Resilience in Adolescents with Divorced Parents. *International Journal of Applied Behavioral Sciences*, 11(1), 16-25.
- 24) Martin, R. A, Puhlik-Doris, P, Larsen, G, Gray, J, & Weir, K. (2003). Individual differences in uses of humor and their relation to psychological well-being: Development of the Humor Styles Questionnaire. *Journal of Research in Personality*, 37(1), 48-75.
- 25) Sherer, M, Maddux, J. E, Mercandante, B, Prentice-Dunn, S, Jacobs, B, & Rogers, R. W. (1982). The self-efficacy scale: Construction and validation. *Psychological reports*, 51(2), 663-671.
- 26) Connor, K. M, & Davidson, J. R. (2003). Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson resilience scale (CD-RISC). *Depression and Anxiety*, 18(2), 76-82.
- 27) Sevari, K. (2018). Prediction of physical health based on academic stressors and humor styles in students. *Health Psychology*, 7(26), 117-131. [Persian]
- 28) Walsh, F. (2020). Loss and resilience in the time of COVID-19: Meaning making, hope, and transcendence. *Family Process*, 59(3), 898-911.
- 29) Asiimwe Kyomugisha, T. (2025). The role of humor in coping with adversity. *SCIENCES*, 4(1), 42-48.
- 30) Jian, Y, Hu, T, Zong, Y, & Tang, W. (2023). Relationship between post-traumatic disorder and posttraumatic growth in COVID-19 home-confined adolescents: The moderating role of self-efficacy. *Current Psychology*, 42(20), 17444-17453.
- 31) Ramadhan, M. R, Ginanjar, A. S, & Djuwita, E. (2024). Post traumatic growth in early adults from divorced families. *Analitika: Jurnal Magister Psikologi UMA*, 16(1), 11-22.
- 32) Lange, A. M, Visser, M. M, Scholte, R. H, & Finkenauer, C. (2022). Parental conflicts and posttraumatic stress of children in high-conflict divorce families. *Journal of Child & Adolescent Trauma*, 15(3), 615-625.
- 33) Wijaya, D. A, Widyorini, E, Primaštuti, E, & Dominguez, J. (2021). Resilience, post-traumatic growth, and psychological well-being among adolescents experiencing parents' marital dissolution. *Jurnal Ilmu Perilaku*, 5(1), 1-20.
- 34) Lestari, T. W. T, & Huwae, A. (2023). Forgiveness and resilience: A case of adolescents with broken home divorce. *Counsnesia Indonesian Journal of Guidance and Counseling*, 4(1), 8-21.
- 35) Bahonar, F. (2024). Does post-traumatic growth happen to children after parental divorce or not?

## “Analyzing the Impact of Humor Styles, Self-Efficacy, and Resilience on Post-Traumatic Growth in Individuals with Experience of Parental Separation”

Delaram sadat Daliran<sup>1</sup>, Mehrangiz Peyvastegar<sup>2</sup>, Seyedeh Asma hosseini<sup>3</sup>

### Abstract

Abstract

**Objective:** The present study aimed to examine the effects of humor styles, self-efficacy, and resilience on post-traumatic growth in individuals who have experienced parental divorce.

**Materials and Methods:** This research was descriptive–correlational and applied in purpose. Data were collected using survey and field methods. The statistical population included all clients of the NGO “Children of Divorce” in Tehran, from which a sample of 170 participants was selected using convenience sampling. Research instruments included the Humor Styles Questionnaire by Martin et al. (2003), the General Self-Efficacy Scale by Sherer et al. (1982), the Connor–Davidson Resilience Scale (2003), and the Post-Traumatic Growth Inventory by Tedeschi and Calhoun (1996).

**Findings:** Data were analyzed using Pearson correlation and stepwise and multiple regression analyses. Results showed significant correlations between post-traumatic growth and affiliative humor ( $r = 0.433$ ), self-enhancing humor ( $r = 0.523$ ), aggressive humor ( $r = -0.470$ ), self-defeating humor ( $r = -0.420$ ), self-efficacy ( $r = 0.448$ ), and resilience ( $r = 0.512$ ).

**Conclusion:** Regression analysis indicated that self-enhancing humor, self-efficacy, resilience, and aggressive humor hierarchically predicted post-traumatic growth in children of divorced parents. Their respective contributions were 27% for self-enhancing humor, 14% for self-efficacy, 6% for resilience, and 2% for aggressive humor. Overall, these variables accounted for 50% of the variance in post-traumatic growth. The findings highlight the importance of self-enhancing humor, self-efficacy, and resilience in maintaining and promoting the psychological well-being of children of divorced parents..

**Keywords:** children of divorce, Humor styles, posttraumatic growth, resilience, self-efficacy,

1. \*(Corresponding Author): Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.m
2. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.
3. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.